

# جنبش عدالت خواهی

## کشتار ۶۷

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

تردیدناپذیر نظام اسلامی است و امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید. چنانچه در حکم مزبور مشاهده میشود، خمینی کینه خود را پنهان نمی دارد و طبق آموزه های دینی، یک همه کشی را توصیه کرده و دستور به اجرا میدهد. اربابان و متحدین بین المللی رژیم اسلامی روی خود را برگرداندند و اجازه دادند رژیم و خمینی قتل عام را اجرا کنند چراکه اکیدا نظام اسلامی به همین منظور به صحنه آورده شد! چراکه سیل خروشان جنبش اجتماعی سال ۱۳۵۷ با شعار آزادی (از استبداد) و استقلال (از سلطه سرمایه و دخالت امپریالیستها) و حکومت مردمی را یک ائتلاف داخلی و بین المللی در پوشش کمیته سازش و برای سرکوب موج آزادی خواهی به ضدانقلابی تروریستی بنام جمهوری اسلامی بدل نمود.

\*\*\*

هم اکنون هم در برخورد به این مسئله دادخواهی کشتار ۶۷ دو نوع برخورد و تلاش برای اقدام سیاسی از سوی مدعیان مطرح است. که نگاه و برخورد نوع اصلاح طلبی پوسیده و اصلاح طلبان شناخته شده، دائر بر شرکت در حرکات مدنی مخالفین وضع موجود برای تولید فضائی قابل تحمل تر و اصلاح اوضاع!! هدف آنهاست و اکیدا و هنوز نشانی از سرنگونی و عبور از رژیم تروریستی در ذهن و تلاش آنها نیست. نوع دوم اما که از سوی مبارزین و خانواده های زندانیان سیاسی و بازماندگان اعدام شدگان مطرح است دائر بر حضور جنبش دادخواهی و بین المللی برای افشاء این جنایات و بویژه اسیرکشی تابستان ۶۷ و پیوند این حرکت مداوم با سایر جنبش های اجتماعی به منظور بزرگسیدن حاکمیت تروریستی است. هر دو نگاه در سطح داخلی و بین المللی فعال هستند و سکوی پرش هر کدام سخت مقابل هم. یکی هنوز از فروپاشی نظام سرمایه اسلامی وحشت دارد در حالیکه دیگری در پی یک انقلاب اجتماعی و یا حداقل زمینه سازی برای موجبات آن است. یکی وعده محاکمه کمیته کشتار امثال رئیسی را در

جنبشی همه جانبه زیر پوست شهرهای سراسر کشور در جریان است و هر از گاهی و این بار توسط زحمتکشان و نه مماشات طلبان به کف خیابانها و میادین میاید. این بار به وضوح شعار کار نان و آزادی سر داده میشود و محتوی شعارهای تعرضی تظاهرکنندگان مرگ بر دیکتاتور و خواست گم و گور شدن آخوندهاست. گرانی قحطی، بیکاری و فقر برای اکثریت مردم تولید موج نارضایتی عظیمی نموده است. بی شک این تظاهرات به تنهایی و بدون سازماندهی و رهبری و هدف مشخص نمی تواند به سر منزل و مقصود شرکت کنندگان برسد و تنها در جریان درس آموزی و تجربه اندوختن نسل نو مبارزان و آنها هم به موازات حرکت جنبش های دیگر، آغازی است بر پایان رژیم بربریت. در این فضا و تصویر بالا شرکت و تلاش کمیته های علنی-مخفی مبارزین در بهم پیوستگی جنبش های کارگری، زنان، بیکاران و... و شرکت مستمر فعالین در خروش های مردمی است که میتواند مزدوران رژیم و نوکران رنگارنگ سرمایه و ارتجاع مال باخته و کنونی را از درون صفوف تظاهرکنندگان دور سازد. از گونه جنبش های مطرح کنونی، یکی هم جنبش دادخواهی کشتار ۶۷ است که بی شک و با همبستگی عملی با جنبش های دیگر میتواند فضای لازم برای حرکت عمومی و علیه قاتلین فرزندان ایران فراهم آورد که موضوع مطلب حاضر است.

\*\*\*

در تابستان ۶۷ و پس از اتمام جنگ و نوشیدن جام زهر توسط خمینی، وی به منظور انتقام گیری از زندانیان سیاسی و مردم ایران و به منظور بیمه کردن رژیم اسلامی طی حکمی، دستور قتل اسیران زندانی در زندانهای کشور را صادر نمود. وی در حکم خود آورد که... کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضوع نفاق خود پافشاری می کنند محارب و محکوم به اعدام می باشند؛ و ادامه میدهد که و رحم بر محاربین ساده اندیشی است و قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول

فردای نیامده می‌دهد و در حالیکه مبارزین در جستجو و پیگرد دائم امثال او!

\*\*\*

نامه و حکم خمینی برای اعدام دستجمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ قبل از هر چیز ورشکستگی همه جانبه یک رژیم سیاسی و پیش از آن افشاء و سند یک ایدئولوژی است که در قالب یک دین دولتی عرضه شده است. بربریت محض که به تاریخ اسلام و برخورد آنها به مخالفین و مدعیان در صدر اسلام می‌رسد. که این بربریت وسیله ای مناسب برای سرکوب موج آزادی خواهی مردم ایران در سال ۵۷ خورشیدی بود و امکان ادامه مناسبات سرمایه داری پوسیده و ورشکسته پیرامونی. که دیکتاتوری پهلوی دوم امکان ادامه نداشت و در غیاب آن سیستم سرکوب، امپریالیست های چهارگانه کوچه باز نمودند تا اسلام سیاسی با مدیدیت و توحش ذاتی خود جانشین ماشین قبلی شود و مناسبات اقتصادی موجود امکان ادامه پیدا کند. این طرح به مذاق اردوی خمینی و اصحاب شیرین آمد و پرچم دار اجرائی طرح خاورمیانه بزرگ (سلطه اسلام سیاسی از لیبی تا پاکستان شدند). که جمهوری اسلامی معلم اول داعش ها و متحد و معلم القاعده ها و شرکاء شد. این طرح به اسلامیون سیاسی که قرن ها دورخیز کسب قدرت کرده بودند و به منظور ادامه وضع موجود و ادامه سرکوب و زدن نیروهای چپ و دموکرات و حفظ مناسبات سرمایه داری پیرامونی، امکان تشکیل حکومت داد.

\*\*\*

بی تردید نقطه توانائی و قدرت ما در هشیاری و نیروی سازماندهی ماست. جنبش داخواهی باید در مسیر همبستگی با جنبش های مطرح و تلاش بی وقفه ما، و منسجم تر و به لحاظ تبلیغی و افشاءگری فعال تر شود. اگرچه کار تبلیغی و توضیحی در خارج از مرزهای کشور و طی سالیان دست آوردهای مهمی داشته اما که، میتوان برای روشن گری در داخل کشور نیز مکانیسم های جداگانه یافت. برخی تلاش میکنند تا همین جنبش داخواهی خانواده های جان باختگان را در چهارچوب اصلاح بربریت حاضر محدودکنند و مسئولیت ما یکی هم افشاء این روند خطرناک است. حال که عصیان عمومی علیه گرانی و سرکوب، بیکاری و فقر همگانی علنی شده، جای دارد تا اجازه ندهیم عوامل رژیم

و یا نمایندگان بورژوازی مال باخته (پیشین) شعارها و مسیر حرکت تظاهرات را مال خودکنند. اجازه ندهیم همین ها از جنبش داخواهی ما به نفع این و آن سوء استفاده کرده و مسئله سرنگونی نظام تروریستی را از اهداف و لیست مطالبات حذف کنند. ما یاد عزیزان و رفقای نازنین و فرزندان ایران و زحمتکشانش را وقتی گرامی میداریم که تلاش در جهت افشاء مناسبات و سلطه سرمایه و نوکرانش و گذر از آن را هدف خود قرار دهیم، مناسباتی که دیکتاتور و جلاد پرور است و در همبستگی جنبش های موجود خطر غافلگیر نشدن مجدد در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی را تقلیل دهیم. که نظام تروریستی را بی شک میتوان و باید در اقدامی سراسری علیه کلیت آن و ابتدا با اتحاد نیروهای انقلابی و شکست ماشین سرکوب آن برداخت. که پایان رژیم در صورت هرگونه دست عوض کردنی و از روی سر مردم، شکستی دیگر برای آزادی و رفاه و تلاش نسلی دیگر از ایرانیان خواهد بود. لحظات حساسی است که رژیم در سراسیب سقوط است و تلاش می کنند که با عقب نشینی مقابل امریکا، فرصت نفس کشیدن مجدد بیابند و این امر حتی مورد قبول ارباب سرمایه است! اجازه ندهیم تا فرزندان ایرانیان و رفقای خود ما و هزاران مبارز جوان با تردستی و خلق بحرانی دگرگونه راه نجات بیابند در این بیوند است که مبارزین به یاری جنبش عدالت خواهی و خانواده زندانیان و جان فشانان میابند و تلاش در پیوستگی آن با سایر حرکات جامعه دارند. بازماندگان کشتار ۶۷ یکان یکان و بر اثر بیماری و ... جان میبازند بدون اینکه محاکمه و مجازات قاتلین را شاهد باشند. جا دارد تا یاد تمامی عزیزان از جمله قهرمان ملی ما مسعود (طاغنی زاده)، جواد (نجفی)، بهنام و ... سایرین را گرامی داریم و دست یاری و همکاری سوی نیروهای دیگر و انقلابی دراز کنیم که سرنگونی رژیم تروریستی تازه آغاز کار خواهد بود و صد چندان راهی مشکل تر از زدن نظام بربریت کنونی.

\*\*\*

